

**بانک**

## ۴ واحد آموزشی کیمیا دانش توسط بانک گردشگری افتتاح شد

۴ واحد آموزشی جدید در قالب طرح کیمیا دانش با هدف توانمندسازی و بسط ظرفیت‌های آموزشی توسط مسئولان گروه مالی و بانک گردشگری افتتاح رسمی شد. به گزارش روابط عمومی بانک گردشگری، در مراسمی که به همین منظور در بخش احمدی شهرستان حاجی آباد برگزار شد؛ علاوه بر افتتاح رسمی این واحدهای آموزشی بر توسعه فعالیت‌های توانمندسازی بانک گردشگری همگام با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در مناطق محروم تاکید شد. این گزارش حاکی است، در این مراسم که با حضور قائم مقام گروه مالی گردشگری، مدیرعامل بانک گردشگری و جمعی از مسئولان ارشد این مجموعه برگزار شد، ۴ واحد آمیزان در روستاهای حسن آباد، بندرچاهو، موروثیه و گدار عربو و یک باب زمین چمن ورزشی در بخش احمدی شهرستان حاجی آباد افتتاح و کلنگ احداث دو واحد آموزشی جدید در روستاهای این شهرستان بر زمین زده شد. گفتنی است، نهضت ساخت ۱۰۰ واحد آموزشی توسط گروه مالی گردشگری با همت بانک گردشگری و عملیات بنیاد نیکوکاری یاس فاطمه‌النبی(س) در قالب طرح «کیمیا دانش» در حال اجراست و تاکنون ۱۷ باب از این مدارس در مناطق مختلف و کمتربرخوردار کشور به بهره‌برداری رسیده است.

**استاندارد**

## جایزه ملی کیفیت؛ تنها جایزه ملی و قانونی کشور در حوزه کیفیت

بر اساس قانون تقویت و توسعه استاندارد کشور (مصوب مجلس شورای اسلامی و مصوبات شورای عالی استاندارد) در راستای توسعه دانش مدیریت کیفیت، جایزه ملی کیفیت ایران به عنوان تنها جایزه رسمی، ملی و قانونی کشور، زمینه کشفیت شناخته شد. بر اساس این مصوبه، تندیس زرین این جایزه توسط عالی‌ترین مقام اجرایی کشور اهدا خواهد شد. بر پایه این گزارش، سازمان ملی استاندارد ایران به عنوان مسئول تدوین و اجرای نظام ملی کیفیت کشور با تاکید بر این موضوع اعلام کرد: از تمام فعالان حقوقی در عرصه کسب و کار کشور به مشارکت فعال در این حرکت ملی دعوت می‌شود.

«پاراچنار» پاکستان است. می‌گوید برای رساندن خود به ایران و بعد از آن اعزام به سوریه، ابتدا به «بوسی» رفته و از آنجا به ایران آمده است. از سختی‌ها و گرفتاری‌های مجاهدان تیپ زنبیون برای اعطای حرم شدن می‌گوید بعضی‌هاشان گویا برای انجام خود را به ایران برسانند چندصد کیلومتر را پیاده راه می‌روند. ترکش قسمتی از صورت، لب، دهانش را برده عکس‌های ابتدای مجروحیتش را نشان می‌دهد. شاید هر کسی دل دیندار نداشته باشد. تا امروز چندین عمل روی صورتش انجام شده. پوست دستش را برای پیوند به صورت برداشتند اما هنوز با مشکلاتی مثل حرف زدن، غذا خوردن، تنفس و... دست و پنجه نرم می‌کند.

اتاق‌ها را با یکی یکی می‌روم. با «محمدباقر» گفت‌وگو می‌مان گل می‌اندازد. متولد افغانستان است و بزرگ شده شیراز. خاطره مجروحیتش را برای تعریف می‌دهد: «ترکشی به پایم اصابت کرد. نگاه کردم می‌ساق پا به پایین به پوست او بران بود. تصور کردم که پایم قطع شده. ۲۰ دقیقه‌ای را سینه خیز رفتم تا به پناهگاهی برسم که یک داشقی بالای سرم رسید و تیر خلاص را بهم زد. گلوله فقط پوست شکمم را برده و زنده ماندم. همرزمان همه از زنده ماندن تعجب کرده بودند.»

در درباره خانواده‌اش می‌گوید: «۴ خواهر و یک برادر کوچکتر از خود دارم. قبل از رفتن به سوریه کنار پدرم، نان‌آور خانواده بودیم اما الان شرایط سخت‌تر شده و او چند روز به ناهنگامی می‌آید و روزهای دیگر به تنهایی خرج خانه را می‌آورد.»

محمدباقر ادامه می‌دهد: «بنا به مادرم گفتند که شهید شدم و به او شوک وارد می‌شود و سکنه‌ای خفیف می‌کند و الان هم حال و روز مساعدی ندارم.» اما با همه این مصائب و سختی‌ها، او از راه و غم‌ش پشیمان نیست و آن را وظیفه خود می‌داند.

گپ‌وگفتش را با پچه‌های هیات هم دنبال می‌کنم. محمدباقر به آنها می‌گوید: «وقت‌ی شما و امثال شما برای عبادت و برگزاری مراسم به اینجا می‌آید، یک هفته رزمنده روحیه خوب و سرحالی دارند و صحبت شما در میان آنهاست. حضور شما تنوعی را در فضای روزمرگی رزمنده‌ها ایجاد می‌کند خدا شما را بخیر دهد.»

مجال کم است و گفتنی‌ها زیاد. مطمئناً تمام حس و حال و هر آنچه در این ساعات در ناهنگام گذشت را باید با چشم دید. «شنیدن کی بود مانند دیدن» از جمله احتیاط برای همین مواقع گذاشته‌اند. روزهای گذرده و مظلومیت، حقانیت و مجاهدت‌های این مردان گمنام افغانستانی و پاکستانی برای حفظ کین اسلام در تاریخ خواهد ماند.

حاشیه‌ای از دیدار بچه‌های هیأت دانشجویی «محبان روح‌الله»  
از نگاهتگاه مدافعان حرم فاطمیون و زینبیون

# محفل قهرمانان

جهد و مبارزه را تداعی می‌کند. در همین لحظه پرچم بارگه مقدس امام (رضاع) هم به داخل سالن آورده می‌شود و در این فضای معنوی، همه خود را به آن متبرک می‌کنند. اجرای گروه همسرایی و توشیح «بیان» فضای نشاط و شادی را در جلسه غالب می‌کند و مجاهدان افغانستانی و پاکستانی به پای گروه توشیح همراهی می‌کنند. حالا و در این لحظه‌ها می‌توان تغییر و دگرگونی در روحیه آنها را در چهره‌های شان جست‌وجو کرد. یکی دو تایی شان رقص‌های محلی و آیینی خود را انجام می‌دهند. تعدادی به یاد روزهای جهاد، فریادهای «حیدر حیدر» سر می‌دهند و فضای شورانگیزی در سالن شکل می‌گیرد.

مراسم با برش کیک و عکس‌های یادگاری تمام می‌شود. حالا نوبت عیادت و سرکشی به اتاق‌ها و همنشینی با مجروحان است. بچه‌ها هیبت برای عیادت شاخه گل‌هایی را تدارک دیده‌اند. هر کدامان با تعدادی شاخه گل به اتاق‌ها می‌رویم. اولین اتاقی که می‌روم، کمی جاسای خورم. عباس، مجاهد افغانستانی است که ۲۳ سال دارد. ۴ سال قبل در شهر «حمت» سوریه ترکشی در گردنش جا خوش می‌کند و او گردن به پایین خود را به بهشت می‌فرستد و قطع نخاع می‌شود و فقط توانایی کتان دادن سرش را دارد. با او هم‌کلام می‌شوم. قبل از اعزام برقرار بوده، او درباره شرایط رفتنش می‌گوید: «به سوریه رفتم؛ زیرا شوقی علاقه داشتم که از حرم اهل بیت علیهم‌السلام دفاع کنم. وقتی شنیدم برای دفاع می‌روند من هم لدم خواست». هنوز روحیه شاداب خود را حفظ کرده‌ام و وقتی با سزاره حسینی‌هی هم صحبت می‌شود می‌گوید که تازه قصد ازدواج هم دارد و در سردارانش می‌خواهد که دختری را برای ازدواج با او بیابا کنند بیش از ۳ سال است که در این ناهتگاه حضور دارد. برادر رزمندگانش هم در کنارش است و کارهای او را انجام می‌دهد.

در اتاق دیگری با جوانی پاکستانی آشنا می‌شوم. هم به سن و سال می‌خورد که حداقل ۳۰ راز کرده باشد اما ۲۵ سال دارد. هم در سنش بزرگ‌تر نشان می‌دهد و هم شکسته شده است. از شیعیان نشان می‌دهد و روای دفاع مقدس، حال و هوای روزهای

راه‌های درمانی مانند نگهداری، پانسمان، برنامه غذایی متناسب، پیگیری داروها، گرفتن نوبت دکتر ... را انجام می‌دهیم. همچنین آمبولانسی برای انتقال بیماران به بیمارستان در ساختمان حضور دارد. «بیمار دربارۀ افرادی که در آنجا فعالیت می‌کنند، می‌گوید: «تمام کسانی که اینجا کار می‌کنند، جدا با قلب صاف آمده‌اند و خود را واقعا به بیمارستان مدافعان حرم می‌دانند. ۷۰ درصد حضور راکتبانر اینجا از روی عشق است و ۳۰ درصد انجام وظیفه». مسؤول دیگری که امور فرهنگی ناهتگاه بر عهده دارد، از برنامه‌های فرهنگی مانند نماز جماعت، قرآن قرائت، کتابخوانی، برگزاری ندای مبیل و... می‌گوید. کمی در محیط ساختمان می‌چرخم. سالن ورزشی کوچک‌تر را می‌بینیم که نیازبان برای اوقات فراغت خود از آن استفاده می‌کنند. پس از مهربانگی و رازینی با مسؤولان ناهتگاه، تصمیم می‌گیریم بعد از برگزاری جشن، عیادت و مصاحبت با مجروحان برویم.

مراسم با قرائت قرآن شروع می‌شود و بعد از آن جری کلام خود را با این دوبیتی شروع می‌کند: «به نام عشق، به نام مدافعان حرم  
سر فدای امام مدافعان حرم  
اگر که قسمت من نیست تا حرم بروم  
بخوان مرا تو غلام مدافعان حرم»

بعد از آن مجری، بحجت‌الاسلام سرلک را برای سخنرانی دعوت می‌کند. حاج آقا چند دقیقه‌ای صحبت می‌کند. نکته‌های می‌گوید که ذهنیت را تغییر می‌دهد؛ می‌گوید: «این تصور غلطی است که برای روحیه دادن به جانیان مانع حرم به اینجا می‌آیی. ما اینجا می‌آیم تا آنها روحیه بگیریم». فریادهای جدی به آنها دارد. لو آنکه متناسب با فضای فرهنگی، جغرافیایی و فکری خودشان سیر مطالعاتی داشته باشند. دوم متناسب با وضعیت جسمی‌شان، ورزش را مداوم انجام دهند و نکته آخر آنکه همیشه به آینده و مسائل پیش و فکر کنند. بعد از آن روزگویی سردار حسینی‌هی از ماندن انبوهی زمینی سپاه که خود در میدان رزم سوریه حضور داشته و حاج سعید تاجیک، بسند و روای دفاع مقدس، حال و هوای روزهای

**مفسس تاجیک‌نژاد:** آذان مغرب است و آدرس می‌برایم گنگ. گوگل‌مپ را باز می‌کنم و از حوالی میدان فردوسی راه می‌افتم. مدرس را بالا می‌روم و ترافیک همیشگی همت و ماشین‌ها را با موتور پشتسر می‌می‌گذارم. در کوچه پس‌کوچه‌ها آدرس را حدودی پیدا می‌کنم. البته شدم کار که ساختمان همان مقصود باشد. به ساختمان نگاهی می‌اندازم؛ نه نامی، نه نشانی، نه تابلویی؛ هیچ! برای اطمینان از نگه‌بان جلوی در می‌پرسم: «بخشید اقا! اینجا نقاشگاه جانپازان تیپ فاطمیون و زنبینبون است؟» می‌گوید: «بله».

اسامی مشخص است. اینجا نقاشگاه است نه استراحتگاه. یعنی در اینجا کسانی هستند که یا خانواده‌های‌شان در ایران حضور ندارند یا اگر هستند امکان پرستاری از مجروح‌شان را ندارند. اینجا محل نگهداری از جانبازان و مجروحان افغانستانی (تیپ فاطمیون) و پاکستانی (تیپ زنبینبون) است. رزمندگانی که در کنار سایر جهادگران ایرانی، عراقی، سوری و... برای مبارزه با تروریست‌های داعشی و دفاع از حرم حضرت زینب(س) کمان و بی‌نشان به سوریه رفتند. حتی حالا هم که از جنگ برگشته‌اند، ملاحظات امنیتی می‌طلبد که گمانه‌بانی‌ها هر چند که آنها خود را برای شهادت آماده کرده بودند اما قسمت‌شان جایزای و صبر است. برای رسیدن به ساختمان، یک حیاط نسبتاً بزرگ را پشتسر می‌گذارم. وارد ساختمان می‌شوم. سروسزهایی به گوش نمی‌رسد. در لابی هکف ساختمان، طبایعی نما جماعت را با حضور تعدادی از جانبازان خواده و مشغول صحبت با آنهاست. اعضای هیات محبان روح‌الله تهران و اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان مستقل هم به آنجا آمده‌اند و قصد دارند مراسم جشن ولادت حضرت زهر(ا)س را در کنار این مجاهدان گمنام برگزار کنند. تعدادی از مجروحان که حال جسمی‌شان بهتر است. در لابی به حضور در جشن جمع شده‌اند و منتظر شروع مراسم هستند. دوستان هیاتی به اتاق‌ها می‌روند و بقیه را برای حضور در مراسم دعوت می‌کنند اما به هر حال تعدادی هم شرایط جسمی‌شان اجازه حضور در مراسم را نمی‌دهد. دلگتی اعضای خانواده، دوری از وطن، فراف دوستان و هم‌زمان شهید، محدودت‌های دوره مجروحیت و مثالهم و همگی در روحیه آنها تاثیر گذار بود و شاید برگزاری یک جشن خوب بتواند اوضاع را کمی تغییر دهد.

با مسؤؤلان آسایشگاه کمی صحبت می‌کنم. یکی از آنها درباره روند کاری نقاشگاه می‌گوید: «کار ما از زمانی آغاز می‌شود که مجروحی را از منطقه بیاورند بعد از ترخیص بیمار از بیمارستان،

**خوزستان**

**اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان**

**نشان تعالی کسب کرد**

اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان موفق به کسب نشان تعالی HSE و همچنین شایسته تقدیر به عنوان یکی از استان های برتر کشور از سوی دفتر مقررات ملی و کنترل ساختمان شد در دومین جشنواره نشان تعالی HSE. اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان در شمار استان های برتر بر گزیده رعایت مقررات ملی ساختمان در سال ۱۳۹۷ معرفی شد و مورد تقدیر قرار گرفت. به همین واسطه دکتر مازیار حسینی، معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی از رضا رضایی، مدیر کل راه و شهرسازی خوزستان تقدیر و تشکر کرد.

**نورس**

**انتشار اوراق ۲۰ هزار میلیارد ریالی**

**منفعت نفت**

مدیرعامل شرکت تأمین سرمایه بانک ملت از صدور موافقت اصولی انتشار مرحله دوم اوراق منفعت شرکت توسعه نفت و گاز صبا اروزند به ارزش ۲۰ هزار میلیارد ریال در بازار سرمایه خبر داد. «مسعود سلطانزایی» دربارۀ انتشار اوراق ۲۰ هزار میلیارد ریالی منفعت نفت و گاز صبا اروزند گفت: شرکت توسعه نفت و گاز صبا اروزند با هدف تأمین منابع مالی مورد نیاز جهت اجرای طرح های نگهداشت و افزایش تولید از میادین نفتی در حال بهره برداری و به منظور تولید میانی از میادین نفتی و همچنین نگهداشت و افزایش ظرفیت تولید بزرگترین کسب و کاری پروژه های افزایش تولید، درخواست واگذاری بخشی از منافع حاصل از ۱۱ حلقه چاه نفت را در قالب اوراق منفعت به ارزش ۲۰ هزار میلیارد ریال کرد که موافقت اصولی انتشار آن با نرخ سود سالانه ۱۹ درصدی صادر شده است. به گفته سلطانزایی، «بازار گردانی و تعهدپذیری نوسانی این اوراق با تشکیل بزرگترین کسب و کاری های مالی در سال جاری متشکل از ۴ شرکت تأمین سرمایه از جمله تامین سرمایه بانک ملت، لوتوس پارسیان، سپهر و نوین انجام می شود که در این بین، تأمین سرمایه بانک ملت علاوه بر ایفای نقش مشاور عرضه این اوراق، با تعهد ۷ هزار میلیارد ریال به عنوان عضو پیشگام این کسب و کاری مطرح است.



## خدا قوت به قاضی القضاات

نکن دل را بین به حال کرخه می‌سوزد شرم  
از شهدای لب شط کن! حیا کن از سر بریده  
زمندگان آن سوی خط! بجنب! چیزی از عمر  
اعتدالت نمانده! دارد زیاد دیر می‌شود آن قریب  
است تمام شود تکتانی به تدبیر بداند! اگر این  
تکان «بالمره» باشد؛ که «علی برکت الله»  
به خدا بنسبای و حالا هم دل به صدقه  
روهایی از قبیل مکرون، ره به هیچ کجا  
نمواهی برد! مصلحت را زن! قصور و تقصیر  
گردن موشک‌ها و فرزندان غیور ملت نینداز!  
به و عده شرم خرم برج ایفل خوش کن!  
کلن‌های شانزه‌لیزه بری خون می‌دهد! خیال

## دوگانه‌های کاذب

جدا شده بود) استناد می‌کرد: از سوی دیگر، رضا و تابید «تعلیق تحریم‌های ایران» توسط رئیس‌جمهور آمریکا در بازه‌های زمانی ۱۲۰ روزه، یعنی بود که دستورهای را بنا نهادند و عملاً نتوانست توافق هسته‌ای با ایران را منوط به اکردن خصص اول سیاسی و اجرایی ایالات متحده اکردن. براین، دموکرات‌ها در کنار دولت ترامپ، متهمان ملی خروج واشنگتن از برجام محسوب می‌شوند. متاسفانه خلق دوگانه «دموکرات-جمهوری خواه» در سیاست خارجی کشورمان، به‌زودی طی ۵ سال اخیر انرژی زیادی را از وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماتی تلف کرده و خسارات جاسباتی زیادی را نیز به تحمیل کرده است. با حال استقبال رسانه‌های اصلاح‌طلب و کارگزار قطعنامه اخیر حزب دموکرات نشان می‌دهد این گانه‌سازی همچنان در دستور کار این جریان‌ها درازد. تاکنون بارها تاکید شده است گره زدن رونق و تحمیل برجام و متعاقباً سرنوشت اقتصادی کشور و فراز و فرودهای سیاسی در آمریکا نه‌تنها خطایی

**نابادداشت امروز**

ادامه از صفحه اول

آنچه مذبذوم است  
خارج از سنت طبع و ذات طبیعت، عوضی  
شدن است! آیا برای بازگشت به عهد کویتسیم  
نظر همه ملت را جویا شدند بعضی‌ها؛ که حالا  
بگونه مجمع را می‌زنند؟! عوض خدا اگر دل

## یادداشت امروز

و خارج از سنت طبع و ذات طبیعت، عوضی شدن است! آیا برای بازگشت به عهد کوپنسیسم نظر همه ملت را جویا شدند بعضی‌ها؛ که حالا ینگونه مجمع را می‌زنند؟! عوض خدا اگر دل

ادامه از صفحه اول

... در صدور ویزای کنسولی  
اگر که به ایران سفر می کنند امضا کرد. در گام بعدی  
بیز وزارت خزانهداری دولت اوپاما مانع عادی سازی  
روابط بانکی و اعتباری کشمیر از اروپایی به  
ایران شد. دولت کراچی که امروز به نقطه اوج  
جریان های اصلاح طلب و کارگزار در ایران تبدیل  
شده اند، در دوران اوپاما با لابی گری و اجماع سازی  
در بین تروئسکای اروپا مانع به نتیجه رسیدند.  
شکایت های ایران در مورد مشترک برجام شدند  
چون چند متاسفانه این که تا سوی اعضای تیم  
مذاکره کننده هسته ای کشورمان به صورت کامل و  
جدی مورد تبیین قرار نگرفته است!

فراتر از آنچه ذکر شد، نباید فراموش کرد  
خروج ترامپ از توافق هسته ای با ایران، مبتنی بر  
ریل گذاری سیاسی و حقوقی بود که دولت کراچی  
برای رئیس جمهور بعدی خود به یادگار گذاشتند  
و متاسفانه ما هم (که توسط دولت کراچی در برجام  
به معنای مبهم از خروج از برجام، به صورت جدی

